

مسأله تربیت در اندیشه‌ی قرآنی رهبر شهید انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره)

اکبر ساجدی^۱، هادی نقیان^۲

^۱ استاد تمام گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ طلبه درس خارج حوزه علمیه قم، استاد مدعو جامعه المصطفی العالمیه تبریز، ایران

چکیده

اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از ابعاد مختلفی قابل بررسی و تأمل است؛ یکی از این ابعاد، مسأله تربیت می باشد و با توجه به اینکه از نظر ایشان «اسلام دارای مکتب اختصاصی تربیت» بوده و تربیت «مهم ترین مسأله‌ی تمدنی ما» و «از اهداف فرستادن انبیا و کتب آسمانی» است لذا تحقیق در این باره ضرورت دارد. مقاله‌ی پیش رو با استفاده از روش تحلیل محتوا به واکاوی این مهم پرداخته و با بهره‌مندی از بیانات، نگاشته‌ها و دروس تفسیری آن مفسر گرامی، به تبیین چیستی، ضرورت، هدف، ساحت‌ها، روش‌ها، ابزارها و موانع تربیت پرداخته و نیز به رابطه «مربی و معلم - تعلیم و تربیت» اشاره نموده است و در پایان هم یک نمونه و یک الگوی تربیت اسلامی از منظر این شهید فرزانه را بیان می‌دارد. بدیهی است که تمامی روش‌ها، ساحت‌ها و موانع تربیت در آثار معظم له بیان نشده است، اما از دیدگاه نگارندگان، مفسر گرانقدر در بیان قرآنی مسأله تربیت، سه نوآوری دارد: ۱. تفسیر خاص سه روش تربیت از منظر قرآن. ۲. تفسیر دو وجهی آیه‌ی مربوط به موانع تربیت. ۳. تقدّم رتبی تزکیه و تربیت نسبت به آموزش و تعلیم. هرچند که در موضوعاتی نزدیک به این نوشته، مقالاتی وجود دارد (مانند مقاله تعلیم و تربیت از نگاه مقام معظم رهبری، مسلم شوبکلای، ۱۳۸۹)، اما نگارندگان در موضوع مزبور، تاکنون تحقیق و نوشته‌ی مستقلی را مشاهده نکرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تربیت، تزکیه، تعلیم، آیت‌الله خامنه‌ای، تفسیر، اندیشه قرآنی

چیستی تربیت

در اندیشه مفسر عظیم الشان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تربیت از ریشه‌ی «رَبَّی» بوده (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، بقره: ص ۲۷۰) و در اصطلاح به معنای رشد و شکوفایی استعدادها و فطری در جهت رسیدن به حیات طیبه و زندگی فردی و اجتماعی مطلوب اسلامی است. (ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش، ۱۳۹۲/۰۲/۱۰، <https://khl.ink/f/۲۲۴۲۱>)

از این رو از نظر ایشان تربیت، مهم‌ترین موضوع تمدنی ما است. (بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۱، <https://khl.ink/f/۴۲۴۱۰>) چرا که بدون وجود نیروهای تربیت یافته بر مبنای تربیت اسلامی، امکان تمدن‌سازی و نیل به جامعه ایمانی و حیات طیبه میسر نیست.

قرآن کریم نیز یکی از اهداف ارسال رسل و انزال کتب را تربیت انسان می‌داند لذا خداوند متعال پیامبرانش را برای تربیت بشر مبعوث کرده است. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، جمعه: ص ۲۸)

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای «مسأله‌ی تعلیم و تربیت، مسأله‌ی زندگی بخشیدن و ولادت بخشیدن به یک مخاطب و یک انسان است. اسلام با این چشم نگاه می‌کند.» (بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲، <https://khl.ink/f/۳۴۲۸>)

ایشان امر تربیت را به کار یک کشاورز تشبیه می‌کند که نهالی را بارور می‌سازد: «شما تلاش کنید، سعی کنید یک بخشی از زمینی را که خشک به نظر می‌رسد، بکاوید و از آنجا چشمه‌ای جاری شود؛ شما یک بذری را که خیلی ناچیز به نظر می‌رسد، در زمین مستعدی بکارید و آن را آبیاری کنید، تا نهال سرسبزی از آن متولد شود.» (بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲، <https://khl.ink/f/۳۴۲۸>)

از دیدگاه ایشان داشتن فرزندان خوب یک نعمت است و شکر این نعمت نیز به این است که والدین، فرزندان خود را همانند انسانی کامل تربیت کنند، و زمینه‌ای فراهم سازند که فرزندان‌شان در جریان کمال بیفتند و در راه کمال حرکت کنند. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، براءت: ص ۵۰۶)

ایشان تربیت فرزند را مسئولیت بزرگی می‌داند که بر گردن هر پدر و مادری است. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، براءت: ص ۵۰۶)

ضرورت تربیت

خدای متعال بشر را طوری آفریده است که به تربیت احتیاج دارد (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲، <https://khl.ink/f/۲۸۶۸>) و این احتیاج ذاتی، ما را بر آن می‌دارد که در تربیت خود و دیگران بکوشیم. به عبارت دیگر از منظر آیت‌الله خامنه‌ای ضرورت تربیت صحیح انسان، یک امر بدیهی است چرا که جزو نیازهای ذاتی بشر به حساب می‌آید و عقل سالم نیز مقتضی آن است.

بنابراین هر انسانی براساس فطرت و ضرورت ذاتی خویش، تربیت می‌شود و حتی اگر در تربیت صحیح او کوششی صورت نگیرد باز هم این بشر خود به خود به یک سمتی تربیت خواهد شد.

«ما چنانچه همین عقل سالم و فطری بر اثر خو گرفتن و آشنایی با معارف و مسائل علمی، مذهبی، اسلامی و اجتماعی تربیت شود و از عالم و احوال انسانها و غرائز، شهوات و تمایلات انسانی آگاه باشد، بدی گناهان را درک می‌کند و حکم به حرمت آن

صادر می کند. چنین عقلی با این مایه‌ها و ذخیره‌ها و با این رشدیافتگی، وقتی می‌بیند که شارع مقدّس شرب خمر را حرام کرده است، او هم با نگاه به آن درمی‌یابد و می‌بیند که واقعاً حرام است؛ زیرا می‌بیند که شراب برای جسم و روح و اخلاق و فضیلت و اجتماع ضرر دارد؛ لذا اگر شارع مقدّس هم حکم به حرمت شراب نکرده بود، خود این عقل سلیم، حکم به تحریم آن می‌کرد. با این بیان، معنای «كَلَّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكْمَ بِهِ الشَّرْعُ» به خوبی روشن می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، برائت: ص ۳۷۳)

از دیدگاه ایشان با توجه به هوش بالای جوان و نوجوان ایرانی، قضیه‌ی تربیت ضریب بیشتر و اهمیت مضاعفی می‌یابد.

«اگر ما با یک جامعه‌ی جوان و نوجوان متوسط از لحاظ ذهنی مواجه بودیم، یک جور بود؛ حالا که با یک قشر جوان هوشمند مواجهیم که از متوسط هوش جهانی بالاترند، قضیه جور دیگر است. این ثروت عظیمی است. اگر ما این موجود بالارزش، یعنی این جوان هوشمند را -که هوشمندی خودش را در المپیادها، در مسابقات جهانی، در همه چیز ثابت کرده- تربیت نکنیم و به جایگاه شایسته نرسانیم، واقعاً جفا شده [است].» (بیانات در دیدار معلمان، ۱۴۰۲/۰۲/۱۲، <https://khl.ink/f/۵۲۷۲۳>)

هدف تربیت

از منظر مفسر بزرگوار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، هدف تعلیم و تربیت اسلامی، «رسیدن به حیات طیبه» و «رشد و شکوفایی استعدادهای فطری» است و مراد قرآن کریم [نحل/۹۷] از «حیات طیبه»، زندگی فردی و اجتماعی مطلوب اسلامی می‌باشد. (ابلاغ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش، ۱۳۹۲/۰۲/۱۰، <https://khl.ink/f/۲۲۴۲۱>)

ایشان حیات طیبه را همین زندگی انسان، در حالی که همراه با ایمان باشد، می‌دانند (بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران، ۱۳۹۶/۰۶/۰۶، <https://khl.ink/f/۳۷۵۲۸>) و در تبیین آن می‌فرمایند: «حیات طیبه به معنای رشد و شکوفایی عقل بشر و علم بشر از سویی و آرامش روحی بشر، آسایش مادی بشر، امنیت محیط زندگی بشر و رفاه بشر و شادکامی بشر و بالاتر از همه‌ی این‌ها تکامل معنوی و عروج روحی انسان است.» (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱، <https://khl.ink/f/۴۷۵۱۰>)

اگر انسان به این شکل تربیت شود و عقل او شکوفا گردد، بر اثر این رشدیافتگی، بدی گناهان را درک می‌کند و از آن‌ها دوری می‌جوید. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، برائت: ص ۳۷۳)

از نظر مفسر گرانقدر، این تربیت -که منشأ آن «رب العالمین» است- در جهت رحمت الهی قرار دارد و مضمون این تربیت، رحمت پروردگار متعال است. لذا در آیه سوم سوره حمد، عبارت «الرحمن الرحیم» برای دومین بار در این سوره (بعد از بسم الله الرحمن الرحیم؛ حمد/۱) تکرار شده است.

«الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در «بِسْمِ اللَّهِ» از دیدگاهی مورد توجه بود و در اینجا از دیدگاه دیگری، در آنجا «اللَّهِ» را با صفت رحمان و رحیم -دارنده‌ی رحمت همگانی و دارنده‌ی رحمت ویژه‌ی همیشگی- توصیف کردیم، برای اینکه صفت خداوند را بیان کرده باشیم اما در اینجا که بعد از کلمه‌ی «رَبِّ الْعَالَمِينَ» می‌گوییم «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، برای این است که جهت ربوبیت الهی را بیان کرده باشیم؛ خدا که «رَبُّ الْعَالَمِينَ» است یعنی پرورش‌دهنده است، رشد‌دهنده است، تربیت‌کننده است و پیش‌برنده است، در چه جهتی خدای متعال پرورش می‌دهد؟ در چه جهتی انسان‌ها و موجودات را رشد می‌دهد؟ یا خداوندگاری عالم و کردگاری عالم نسبت به موجودات، در چه جهتی و دارای چه مضمونی است؟ پاسخ این است که دارای مضمون رحمت است؛

رشد می دهد انسان ها را در جهت رحمت، هدایت می کند در جهت رحمت، امور آن ها را اداره می کند و تدبیر می کند در جهت رحمت:

از رحمت آمدند و به رحمت روند خلق

این است سرّ عشق که حیران کند عقول

رحمت، هدف و جهت خلقت انسان و هدایت انسان و تربیت انسان و تدبیر امور انسان و دیگر موجودات است. پس «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» یک بار دیگر در اینجا ذکر شده برای افاده‌ی این مقصود. «خامنه‌ای، ۱۴۰۱، حمد: ص ۴۱)

ساحت های تربیت

در اندیشه برآمده از قرآن مفسر گرامی، انسان دارای جنبه ها و ابعاد مختلفی است و اسلام نیز برای تمامی این جنبه ها برنامه ی تربیتی ارائه می دهد و تربیت ساحت مختلف را ضروری می داند. جنبه های فردی، اجتماعی، عقلی، فکری، جسمی، روحی و... از جمله این ساحت هاست.

«اگر انسان تعلیم درست و تزکیه‌ی درست شود، همان ماده‌ی مستعدی است که در کارخانه‌ی مناسبی شکل مطلوب خود را پیدا کرده و به کمال رسیده است. هم در این نشأه، وجود او منشأ برکت و خیر و مایه‌ی آبادی جهان و آبادی دل های انسان‌هاست، هم وقتی وارد نشأه‌ی دیگر شد و به عالم آخرت قدم گذارد، سرنوشت او همان سرنوشتی است که همه‌ی انسان ها از اوّل تا امروز مشتاق آن بوده‌اند؛ یعنی نجات، زندگی ابدی سعادت‌مندانه و بهشت. لذا انبیا از اوّل تا نبیّ مکرّم خاتم صلی الله علیه و آله سلّم، هدف خود را تعلیم و تزکیه معین کرده‌اند: «یزکیهم و یعلّمهم الکتاب و الحکمه». انسان ها را، هم تربیت عقلانی و فکری می‌کنند و هم تربیت روحی.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲، <https://khl.ink/f/2868>)

از نظر ایشان تربیت درون و برون انسان به صورت توأمان، مطلوب اسلام است و تفکری که صرفاً به تربیت برون انسان، یعنی جسم و فکر، بپردازد و از تربیت درون انسان، یعنی روح و اخلاق، غافل باشد محکوم به نقصان و نادرستی است. «در مقوله‌ی مسائل معنوی، این تربیت، یکی تربیت فکر و قوای عقلانی اوست که محلّ این تربیت، تعلیم است و یکی تربیت نفس و قوای روحی و قوه‌ی غضبیه و شهویه‌ی اوست که نام این تربیت، تزکیه است.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲، <https://khl.ink/f/2868>)

از این رو قرآن کریم علاوه بر توجه به جنبه های فکری و مغزی انسان در تربیت او به جنبه های روانی و نفسانی اش نیز عنایت دارد. «وقتی آیات قرآن درباره‌ی موضوعی سخن می گوید، علاوه بر اینکه به جنبه‌های فکری و مغزی مستمع خود احاطه‌ی کامل پیدا می کند و آن ها را مورد نظر قرار می دهد و فکر مخاطب خود را می سازد، به جنبه‌های روانی و نفسانی مخاطبان هم توجه دارد و به آموزش صرف اکتفا نمی کند، بلکه علاوه بر آموزش می خواهد آنها را بپروراند و تربیت کند. این روش تعلیم و تربیت آیات قرآن است. در مجموع این آیات [آیات ۴۳ تا ۴۵ سوره براءت]، آن چه بیشتر مورد نظر است، این است که مؤمنان، هم درباره‌ی جهاد، آموزش کافی ببینند و هم از نظر روحی و روانی مسلّح و مجهّز شوند؛ چرا که اگر دانستن با پرورش روح همراه نباشد، آن دانش به کار نمی‌آید.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، براءت: ص ۲۳۴)

همچنین از دیدگاه قرآن کریم تربیت اجتماعی و بُعد انسانیت انسان، بسیار مهم است تا جایی که ریشه‌ی بسیاری از ظلم‌ها و ردیلت‌ها در غفلت از این نکته نهفته است. «در اسلام صفاتی مانند بخل که ریشه در خویشتن‌پرستی دارد، نفی و تقبیح شده است: «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ آنها که از بخل و طمعِ نفسِ خود مصون و در امان بمانند، پیروزمندان هستند. در اسلام سعی شده آن رذایلی که با خویشتن‌پرستی و خودخواهی ارتباط پیدا می‌کند از جامعه رخت برینند و انسانها به‌گونه‌ای تربیت شوند که فقط خود را نخواهند؛ یعنی خود را نپرستند و آنچه می‌خواهند برای جمع بخواهند و انسانیت را یک شیء واحد و عنصری واحد به حساب آورند و خودشان را نیز گوشه‌ای از انسانیت؛ نه اینکه خود را قطب و محور فرض نمایند و همه‌ی عالم را بر گرد این قطب در گردش ببینند. براین اساس، از نظر اسلام همه‌ی صفاتی که مرجع آن خودپرستی و خودخواهی باشد و باعث شود انسان فقط خود را ببیند، نه دیگران را، دنائت و رذالت شمرده شده است؛ لذا به آن صفات، «رذایل اخلاقی» گفته می‌شود.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، برائت: ص ۵۸۷)

روش های تربیت

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای اسلام دارای مکتب تربیتی اختصاصی است و روش های جدیدی مبتنی بر این مکتب ارائه می‌دهد. (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، مجادله: ص ۵۳)

با توجه به اینکه روش های تربیتی از منظر قرآن کریم توسط بسیاری از محققین عرصه تربیت استخراج و ارائه شده، در اینجا به سه مورد از نوآوری های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در باب روش های تربیت از نظر قرآن و نوع تفسیر این روش ها از دیدگاه معظم له اشاره می‌شود:

۱. بنابر تفسیر ایشان از آیات الهی، تمامی آموزه های قرآن کریم با پرورش و تربیت همراه است. و این یکی از روش های تربیتی قرآن کریم محسوب می‌شود. «تعالیم قرآن معمولاً با پرورش فکری توأم است؛ یعنی در عین اینکه حقایق را تعلیم می‌دهد، روح را نیرومند می‌کند. این شیوه‌ی قرآن است که طی تذکر حقایق، با بیان خاصی، روح را برای پذیرش مسئولیت بزرگ نیز آماده می‌کند. خاصیت تعلیم صحیح آن است که در ضمن آن، به پرورش هم بها داده می‌شود.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، برائت: ص ۱۹۴)

بنابراین آموزش و تعلیمی صحیح است که با پرورش و تربیت همراه باشد. ایشان برای تبیین روش مذکور نمونه‌ای از به کارگیری آن در آیات الهی را ذیل تفسیر آیات ۳۸ تا ۴۰ سوره برائت ذکر می‌کنند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ ﴿۳۸﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود در راه خدا بسیج شوید کنده‌ی به خرج می‌دهید آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده اید متاع زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست (۳۸)

﴿إِنَّمَا تَنْفَرُوا يُعَذِّبُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ ﴿۳۹﴾

اگر بسیج نشوید [خدا] شما را به عذابی دردناک عذاب می کند و گروهی دیگر به جای شما می آورد و به او زبانی نخواهید رسانید و خدا بر هر چیزی تواناست (۳۹)

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٠﴾

اگر او [پیامبر] را یاری نکنید قطعاً خدا او را یاری کرد هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مکه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که در غار [ثور] بودند وقتی به همراه خود می گفت اندوه مدار که خدا با ماست پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاهسانی که آنها را نمی دیدید تایید کرد و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست تر گردانید و کلمه خداست که برتر است و خدا شکست ناپذیر حکیم است (۴۰) [

«این بیان قرآن، انسان را به خود می آورد و روح او را پرورش می دهد. وقتی انسان به اندک، تن داد و بعد به او گفتند بهره ی تو در مقابل فلان مقدار، بسیار کم بوده، متوجه خسارت خود می شود، و این خود تعلیمی است که در عین حال، تقویت روح نیز می کند و دل را قوی می نماید. آیه ی بعد نیز با چنین بیانی مردم را تعلیم می دهد. پس هم تعلیم است و هم تربیت، و با این شیوه به شما می فهماند که اگر این پیامبر را یاری نرساندی، دیگران مددش خواهند کرد. خطاب «ما لکم» با حال افراد با ایمان و نیز با مقام ایمان سازش و مناسبت ندارد. افراد عادی هستند که زندگی دنیا را بر بقای آخرتی ترجیح می دهند، ولی اینجا خطاب متوجه مؤمنان است؛ یعنی تو که مدعی ایمان و اسلام هستی چرا چنین کردی؟! ما از تویی با ایمان، توقع سنگینی و تثاقل را نداشتیم! دنیا محل گذر و آخرت سرای بقا است و کسی که مفهوم اسلام را بفهمد معنا ندارد از مرگ بترسد و به جنگ نرود. اگر آنها حقیقت ایمان را درک می کردند مخاطب به «ما لکم» نمی شدند. آن که معنا و بینش اسلام را فهمید، اگر به زمین چسبید، به او گفته می شود: «چرا؟ آیا به زندگانی دنیا به جای آخرت خشنود شدی و از عاقبت کار غافل؟ به ادامه ی زندگی دل خوش کردی؟! چرا نمی روی؟! «فَمَا مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ». تو اگر می خواهی به بهشت آباد راه یابی، ده ها فرسنگ را باید طی کنی. تو این نزدیک را بر آن دور خوب ترجیح دادی!» (خامنه ای، ۱۴۰۱، براءت: ص ۱۹۴)

۲. یکی دیگر از روش های اختصاصی اسلام در تربیت انسان، مسأله ی امتحان الهی است. «از جمله مسائلی که باید در آن اندیشید، شناخت امتحان [الهی] و حتمی بودن آن و جایگاهش در آفرینش است. باید دانست که امتحان الهی، شبیه امتحان معلم از شاگرد نیست که بخواهد بداند او خوب درس خوانده یا نه، بلکه امتحان خداوند از قبیل ورزش دادن یک مربی برای ورزشکاری و ورزشکار است. اگر یک مربی بخواهد برای کوهنوردی، ورزشکارانی تربیت کند، باید برای صعود به قله، مدت زیادی آنان را در منگنه ی آزمایش سخت و تمرین قرار دهد. در این مدت، شناسایی قابلیت، امری قهری است، ولی مقصود و منظور شناسایی نیست، بلکه مربی می خواهد آمادگی و توانایی صعود به قله و ورزشکاری در ورزشکار پدید آید. امتحان الهی یعنی: «تحمل سختی برای رسیدن به هدف». اگر بخواهید از جایی به جایی دیگر برسید، باید راه را طی کنید و همین طی مسیر و تحمل مشکلات آن، امتحان است که با تحمل آن به مقصد می رسید.» (خامنه ای، ۱۴۰۱، براءت: ص ۸۱)

۳. روش بعدی که قرآن به کار می گیرد و از نظر ایشان در سیره عملی برخی از رهبران الهی از جمله امام خمینی (ره) نیز قابل مشاهده است، روش «توبیخ و تحذیر در برابر غرور» می باشد. از دیدگاه ایشان غرور برای مومنین یک پرتگاه بسیار مهم و عیب بسیار بزرگی است: «وقتی که می گوئیم این سوره [صفا] خطاب به مؤمنین است، آن هم با این لحن توبیخ آمیز، این برای مؤمنین بد نیست، زیرا که بنای قرآن بر تربیت است؛ بنای قرآن بر این نیست که به مؤمنین بگوید شما خوبید، این ها را مطلق کند و عیوب این ها را بپوشاند؛ و نباید [هم] این جور باشد؛ رهبر یک جامعه باید مثل یک مربی و معلم ضعف های مردم را به

آنها بیان کند. شما دیدید که وقتی حمله‌ی عظیم فتح‌المبین پیدا شد و این حرکت فداکارانه‌ی موفق برای نیروهای نظامی ما - یعنی ارتش و سپاه - پیش آمد و جوان های ما فداکاری کردند، امام که این همه نسبت به رزمندگان عزیز میدان جنگ عطف داشت، آنها را گفتند که نبادا مغرور بشوید؛ یعنی ناگهان رفتند سراغ یک عیب بزرگ و [یکی] از بیماری‌های مورد خطر که خطر آن و بیم و واژه‌ی آن هست؛ و رهبر باید این کار را بکند و مردم بایستی نگران نشوند از اینکه معلمان جامعه و رهبران جامعه عیب های آنها را بگویند، ضعف های آنها را مشخص کنند و آنها را از غلتیدن در وادی ضعف ها برحذر بدارند، [بلکه] باید خوشحال بشوند، زیرا که لازمه‌ی راهبری مردم و اداره‌ی امور مردم این است که ضعف های مردم را دانه‌دانه به آنها گوشزد بکنند و توجه بدهند. لذاست که این آیه [آیات ۱ تا ۵ سوره صف] اگرچه خطاب به مؤمنین است، اما ضعف آن مؤمنین را بیان می کند و آیات تا آخر سوره بر این اساس پیش می رود.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲، صف: ص ۱۷)

ابزارهای تربیت

بنابر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تمامی دستورات قرآنی و به عبارتی تمامی عبادات و تکالیف شرعی ابزارهای تربیت انسان هستند که اسلام می خواهد با استفاده از این ابزار انسان ها را تربیت کرده و به رشد و کمال برساند. از دیدگاه ایشان، نماز، روزه، انفاق، ترک گناهان، پرهیز از دروغگویی، خیرخواهی نسبت به دیگران و... همه ابزارهایی هستند که انسان به وسیله این ها تربیت می یابد.

البته اگر این ابزارها در جهت الهی و خدایی قرار داده شود، یعنی با نیت الهی انجام گیرد، نتیجه بخش خواهد بود. به عنوان مثال در بحث روزه «این نخوردن و نیاشامیدن، باید از روی نیت باشد، و الا اگر شما یک روز به خاطر گرفتاری و یا اشتغال به کار، دوازده ساعت، پانزده ساعت فرصت نکنید چیزی بخورید، هیچ ثوابی به شما نخواهند داد. اما همین امساک را وقتی با نیت انجام دادید «جعلنا مَن نَوی فَعَمَل»؛ نیت کند و به دنبال آن، عمل انجام دهد این همان گوهر درخشانی می‌شود که به شما ارزش می‌بخشد و روحتان را قیمتی می‌کند.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲، <https://khl.ink/f/۲۸۱۸>)

از منظر ایشان حکومت اسلامی نیز نقش زمینه سازی و سرعت بخشی به این تربیت و رشد انسان ها را بر عهده دارد. چرا که انسان ها بر اساس یک سیر معمولی و روال طبیعی در راه خدا در حال حرکت هستند و در حکومت اسلامی این روال طبیعی بیشتر، سریع‌تر و راحت‌تر انجام می گیرد.

«الان وضع جامعه‌ی اسلامی ما این جور است که اگر روی کسی هیچ تربیت ویژه‌ای هم انجام ندهند، روال طبیعی جامعه مردم را به طرف اسلام می کشاند؛ الان این جور است. مثل کانالی است که شیبش به طرف مزرعه است؛ هرچه آب بریزی، همان جا می رود به خودی خود. طرف باتلاق و طرف مرداب و غیره نمی رود؛ به‌طور طبیعی می رود طرف مزرعه، طرف باغ، طرف گلستان. الان جامعه‌ی ما این جور است، همه دارند به طرف خدا می روند؛ بعضی سریع‌تر، پرشورتر، بعضی هم بالاخره لک‌ولکی می کنند اما حقیقت این است که روال کلی جامعه‌ی ما به طرف خدا است و علت اینکه آن زمان ها و در گذشته ما اصرار می کردیم که جامعه‌ی اسلامی و حکومت اسلامی به وجود بیاید، همین است. حکومت اسلامی معنایش این نیست که هیچ کس گناه نمی کند، هیچ کس گمراه نمی شود، خاصیت و فایده‌ی حکومت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی این است که روال حرکت کلی انسانها در آن جامعه به سوی حق است.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، مجادله: ص ۱۲۲)

بنابراین استفاده از ابزارهای تربیتی که عبارتند از تکالیف شرعی، در بستر حکومت اسلامی به پروسه‌ی تربیت سرعت و راحتی می بخشد.

معلم و مربی - تعلیم و تربیت

کلمه ی معلم در قاموس قرآن از نظر مفسر گرانقدر به معنای آموزنده، آموزشگر و تعلیم‌دهنده است که خداوند متعال این کلمه را در آیات شریفه‌ی: «وَأَتَقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمُكُمْ اللَّهُ - بقره/۲۸۲» و «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم - علق/۵» به خودش نسبت می‌دهد؛ یا در آیه «وَأَعَلَّمَكُمْ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ - بقره/۱۵۱» این کلمه را به پیامبران الهی نسبت می‌دهد؛ بنابراین معلمی یک ارزش بسیار بزرگ و والایی است. (بیانات در دیدار معلمان، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱، <https://khl.ink/f/50226>)

بنابر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در قرآن کریم، تعلیم و تربیت توأمان مد نظر قرار گرفته است «مفسر بزرگوار در مواردی متعدّد به این نکته تصریح کرده‌اند که آموزه‌های قرآن، صرفاً تعلیم و آگاهی‌دادن و افزایش سطح دانش افراد نیست، بلکه همواره در کنار آن، از عنصر تربیت، پرورش و تزکیه نیز استفاده شده است. نمونه‌های این موضوع ذیل آیات ۳۸ و ۱۱۱ آمده است؛ در تفسیر آیات ۳۸ و ۳۹ و به ویژه عبارت «فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» تصریح شده: این خود تعلیم است، و در عین این که تعلیم است تقویت روح نیز می‌کند، دل را قوی می‌نماید... خلاصه این که اگر شما اکنون به جهاد نرفتید، بدانید بار خدا به زمین نمی‌ماند، این بیان قرآن هم تعلیم است و هم تربیت... نمود دیگر این ویژگی، ذیل آیه‌ی ۷۱ است که مفسر بزرگوار، پس از بیان دیدگاه قرآن مبنی بر لزوم ایجاد اتحاد و همبستگی بین افراد جامعه، به توصیه‌هایی در این زمینه می‌پردازند.» (نسیم انقلاب، ۱۳۹۳: ص ۲۷)

بنابراین معلم در عین معلم بودن، مربی نیز هست؛ یعنی علاوه بر تعلیم باید به فکر تربیت نیز باشد و اگر بتواند انسان آگاه، عالم، اهل فکر کردن، متفکر، اهل منطق، باایمان، بااراده، متشّرع، پایبند به اخلاق اسلامی، پایبند به تعهدات ملی تربیت کند، بزرگ‌ترین خدمت به کشور انجام داده است و هیچ خدمت دیگری قابل مقایسه‌ی با آن نیست. (بیانات در دیدار معلمان، <https://khl.ink/f/52723>، ۱۴۰۲/۰۲/۱۲)

چرا که فراتر از تعلیم، مسئله‌ی تربیت است آن هم با جهت‌گیری اخلاقی و معنوی و تلطیف روحی و دمیدن روح احساس هویت. (بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها، ۱۳۹۷/۰۳/۲۰، <https://khl.ink/f/39877>)

در نتیجه «وقتی دانایی و آموختگی انسان به کار می‌آید که با تربیت، توأم و همراه باشد. در طول تاریخ بشر، و نزدیک‌تر و روشن‌تر از آن، در طول تاریخ اسلام بسیار دیده‌ایم که خیلی از دانایان و انسان‌های فهیم بوده‌اند که بر اثر نداشتن مایه‌ی کافی روانی و تربیتی، از آموختگی و دانایی خود نه فقط سودی نبرده‌اند، بلکه «چو دزدی که با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا»، سوءاستفاده کرده‌اند و به قیمت زبان مردم و اجتماع و اهداف آن بهره برده‌اند. به همین جهت اسلام، تربیت را هم به تعلیم خود منضم می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، براثت: ص ۲۳۴)

البته بنابر دیدگاه مفسر بزرگوار، تعلیم و تربیت باید در کنار هم انجام گیرد و تقدم و تاخر زمانی ندارد بلکه رتبه‌ی تربیت، مقدم بر تعلیم است. «وَأَيُّكُمْ... بعد از آن که این تزکیه انجام گرفت، آن وقت «وَأَعَلَّمَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ». البته وقتی می‌گوییم «بعد»، معنایش این نیست که دفتر تزکیه بسته می‌شود، دفتر تعلیم کتاب و حکمت باز می‌شود؛ نه، یعنی رتبه‌ی تعلیم بعد از رتبه‌ی تزکیه است اما در حالی که تعلیم یک مرحله‌ای انجام می‌گیرد، تزکیه در مورد مرحله‌ی دیگر نیز انجام می‌گیرد. ما الان در حالی که داریم کتاب و حکمت را ان‌شاءالله می‌آموزیم در سایه‌ی حکومت و جمهوری اسلامی، تزکیه هم باید بشویم؛ یعنی تزکیه هم باید ادامه داشته باشد. بنابراین، تعلیم کتاب و حکمت در رتبه‌ی بعد از تزکیه است.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، جمعه: ص ۵۹)

همچنین هر شخصی علاوه بر مربی بیرونی به یک مربی درونی نیز احتیاج دارد تا خودش را تربیت کند. که نام این تربیت در قاموس قرآن، تزکیه است. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۱۲، <https://khl.ink/f/2878>) «تزکیه یعنی رشد دادن، یعنی نمو دادن، یعنی خصلت‌ها و خصوصیات انسانی را در افراد پرورش دادن. این خاصیت اسلام است؛ خاصیت بعثت پیغمبران و خاصیت حرکت انبیا و اولیای الهی است.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، جمعه: ص ۵۸)

موانع تربیت

امور دنیوی، اموال، اولاد، وابستگی‌ها و... می‌تواند مانع رشد و تربیت انسان شود.

«[قرآن کریم] می‌فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تُلْهَکُمْ أَمْوَالُکُمْ وَلَا أَوْلَادُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مشغول نکند شما را اموالتان و همچنین اولادتان از یاد خدا؛ این دو چیز بسیار مشغول‌کننده. البته برای بعضی، مال مشغول‌کننده‌تر است؛ برای بعضی اولاد مشغول‌کننده‌تر است. هستند واقعاً کسانی که مال دنیا برایشان حتی از اولادشان مشغول‌کننده‌تر است؛ حتی به اولادشان نمی‌پردازند آن قدری که آنها را یک تربیت ابتدائی بکنند، از درسشان، از بحثشان، از رفیقشان، از اشتغالشان بپرسند؛ حتی این اندازه هم صرف وقت به بچه‌هایشان نمی‌کنند. اما صرف وقت به مالشان چرا؛ از صبح می‌روند تا شب مشغولند، وقتی هم که برمی‌گردند باز هم مشغولند؛ یعنی علی‌الظاهر در میان اهل و عیال و خانواده هستند، علی‌الباطن در فکر مال و شیوه‌هایی که امروز به کار زده، شیوه‌هایی که فردا باید به کار بزند و از این قبیل.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲، منافقون: ص ۱۳۶)

نوآوری مفسر گرانقدر در تفسیر دو وجهی این آیه می‌باشد؛ به این بیان که ممکن است انسان، در جایگاه مربی باشد و این موانع، مانع تربیت فرزند یا متربی توسط او شود (وجه اول) و یا انسان در جایگاه متربی باشد و این امور، مانع تربیت یافتن شخص وی گردد (وجه دوم).

نمونه و الگوهای تربیت

از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بزرگترین اسوه و الگوی تربیت از منظر قرآن کریم، وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) است که معظم له ایشان را به قله ای تشبیه می‌کند که همه ی مردم موظفند خود را به آن همانند کنند.

از نظر مفسر بزرگوار خاصیت قله و نقطه اوج این است که جهت را به ما نشان می‌دهد تا ما را به این نتیجه برساند و تشویق کند که به سمت آن قله باید حرکت کرد، به او باید شبیه و نزدیک شد. (بیانات در دیدار جمعی از مردم در روز عید غدیر، <https://khl.ink/f/5025>، ۱۳۸۷/۰۹/۲۷). به عبارت دیگر توجه به قله و نقطه اوج، در انسان انگیزه و درک ضرورت برای حرکت به سمت قله را ایجاد می‌کند.

«اسوه نامیدن پیامبر اکرم (ص) توسط قرآن: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.» (احزاب/۲۱) منطبق بر همین اصل تربیتی صورت گرفته است.» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، <https://khl.ink/f/2497>، ۱۳۷۰/۰۷/۰۵)

از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ابوذر غفاری یکی از نمونه‌های موفق تربیتی است که با تربیت مطلوب اسلامی رشد نموده است: «وقتی که اباذر غفاری (ره) از غفار می‌آید به مکه، یک آدم بیابان‌گرد وحشی است؛ نه درس، نه سواد، نه معلومات، نه خدا، نه دین، نه سجده‌ی برای خدا، نه عبادت؛ هیچ، اما در باطن او رگه‌ی انسانیت، رگه‌ی توحید، رگه‌ی عشق به خدا، رگه‌ی «يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» وجود دارد.

پیغمبر اکرم، با آن دید نافذ الهی، آن را می‌بیند و بنا می‌کند رشد دادن، بزرگ کردن. اول، آیات کتاب را برای او می‌خواند؛ وقتی او را متوجه کرد، او را جلب کرد به طرف خود، بعد بنا می‌کند این خصلت‌ها و این خصوصیات بسیار ارزشمند را که هیچ کس در این آدم نیمه‌وحشی نشناخته، در او دیدن و آنها را رشد دادن. از ابی‌ذر کسی می‌سازد که باید بنشیند به همه‌ی متفکرین عالم، به همه‌ی فلاسفه، به همه‌ی حکما درس حکمت بدهد، درس اندیشه‌ی انسانی بدهد، درس حرکت بدهد. انسان از یک آدم آن چنانی یک چنین موجودی می‌سازد؛ و از همه‌ی آن کسانی که آن روز در آن شهر و در آن محیط بودند و چیزی نمی‌فهمیدند، کسانی ساخت که هر کدام ستاره‌ی درخشانی شدند برای تاریخ بشر.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، جمعه: ص ۵۸)

نتیجه‌گیری

۱. اسلام دارای مکتب اختصاصی تربیتی است و این تربیت مهم‌ترین مسأله تمدنی ما محسوب می‌شود و انزال کتب و ارسال رسل برای این مهم صورت گرفته است.
۲. تربیت اسلامی عبارت است از رشد و شکوفایی استعدادهای فطری برای رسیدن به حیات طیبه و زندگی فردی و اجتماعی مطلوب اسلام.
۳. همه‌ی تعالیم و آموزش‌های قرآن، با تربیت همراه است.
۴. امتحان الهی با هدف تحمل سختی‌ها برای رسیدن به هدف، یکی از روش‌های تربیتی اسلام است.
۵. روش توبیخ و تحذیر در برابر غرور از روش‌های اختصاصی تربیت اسلامی به شمار می‌آید که از قرآن و سیره بزرگان قابل استنباط است.
۶. (از موانع تربیت) مشغول شدن به اموال و اولاد، دارای دو وجه است: الف. فرد، به عنوان متربی: می‌تواند مانع تربیت صحیح خود او شود. ب. فرد، به عنوان مربی: می‌تواند مانع تربیت صحیح اولاد و متربی، توسط او شود.
۷. اسوه، الگو و قله‌ی تربیت، پیامبر اکرم (ص) است و هر کسی باید خودش را به ایشان شبیه و نزدیک نماید.

منابع

- خامنه‌ای، سیدعلی، بهار ۱۴۰۱، بیان قرآن (تفسیر سوره براءت)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ هفتم.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بهار ۱۴۰۱، بیان قرآن (تفسیر سوره بقره)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بهار ۱۴۰۱، بیان قرآن (تفسیر سوره مجادله)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ هشتم.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بهار ۱۴۰۲، بیان قرآن (تفسیر سوره صف)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بهار ۱۴۰۲، بیان قرآن (تفسیر سوره منافقون)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- خامنه‌ای، سیدعلی، تابستان ۱۴۰۱، بیان قرآن (تفسیر سوره جمعه)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.
- خامنه‌ای، سیدعلی، تابستان ۱۴۰۱، بیان قرآن (تفسیر سوره حمد)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- نسیم انقلاب (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، تابستان ۱۳۹۳، مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در تفسیر سوره توبه، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ اول.